



محرمانگی اسرار بیماران در آینهٔ فقه

پدیدآورنده (ها) : نصراللهی، عمار

فقه و اصول :: Journal فقه و اجتهاد :: بهار و تابستان ۱۳۹۷ - شماره ۹

Pages : From ۱۲۱ to ۱۵۲

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1726259>

تاریخ دائلود : ۲۰۲۳/۰۷/۱۱

Computer Research Center of Islamic Sciences (Noor) to present the journals offered in the database, Has received the necessary permission from the owners of the magazines, accordingly all material rights arising from the entry of information on articles, magazines and writings. Available at the base, belongs to the "Light Center". Therefore, any publication and presentation of articles in the form of text and images on paper and the like, or to The digital form obtained from this site requires the necessary permission from the owners of the journals and the Computer Research Center for Islamic Sciences (Noor), and violation of it will result in legal action. For more information go .to [Terms and Conditions](#) Using Noor Specialized Magazine Database Please refer



- استراتژی و سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا بر ضد تروریسم در خاورمیانه و تأثیر آن بر امنیت نظام بین الملل - از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۲ -
- نقش نظام آموزش عالی در مهندسی فرهنگی جامعه
- جایگاه افغانستان در ژئواستراتژی نظام نوین جهانی
- استراتژی جدید ایالات متحده آمریکا و امنیت ملی افغانستان
- سزارین انتخابی؛ رویکردی است اخلاقی یا غیر اخلاقی؛
- نظارت شورای نگهبان بر قوانین مصوب پیش از انقلاب و شورای انقلاب
- بررسی تطبیقی جرم‌انگاری حاملگی اجباری در دادگاه یوگسلاوی، رواندا و دیوان کیفری بین‌المللی؛ حمایت از جنسیت یا دیگر ارزش‌های موضوع حقوق بین‌الملل
- بررسی رابطه ریسک نقدشوندگی و ریسک بازار با بازده غیرعادی در مدل سه عاملی فاما و فرنچ در بورس اوراق بهادار تهران
- اصل انصاف و ظرفیت قاعده‌سازی آن در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری
- عوامل موثر بر صادرات صنایع با فناوری بالا
- رویکرد جرم‌شناسی فرهنگی به تغییر الگوی مصرف مواد مخدر در میان جوانان
- عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به سزارین در زنان باردار

فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - تخصصی
سال پنجم، شماره نهم (بهار و تابستان ۱۳۹۷)

محرمانگی اسرار بیماران در آینه فقه

عمار نصراللهی^۱

چکیده

بی‌گمان حریم خصوصی یکی از مهم‌ترین مباحث اجتماعی است که از زوایای مختلف می‌توان به بررسی و پژوهش در آن پرداخت. یکی از موضوعات حریم خصوصی، محرمانگی اسرار بیماران است که در مباحث اخلاق پزشکی مورد توجه است و احکام فقهی آن نیز به سبب گستره ابتلا و فراگیری، اهمیتی ویژه دارد و نیازمند بررسی فقهی جدی است. در راستای بررسی این پرسش و فرضیه، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده می‌شود تا با تحلیل به روش استنباطی و اجتهادی داده‌ها، احکام گوناگون محرمانگی پزشکی روشن شود؛ به این نیت که بایدها و نبایدهای فقهی و وظایف پزشکان و کادر درمانی در این زمینه تبیین قابل اطمینانی یابد. دلایل عامی چون ممنوعیت خیانت در امانت، ادله حرمت تجسس، نشکستن سوگند پزشکی و دلیل‌های خاصی مانند آیه حرمت افشای راز و روایات معتبر بر تحریم افشای اسرار بیماران دلالت دارند و حکم آن را در زوایای گوناگون روشن می‌کنند.

کلیدواژگان: حقوق بیماران، حریم خصوصی، محرمانگی، رازداری، افشای اسرار.

۱. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم، nasramar229@gmail.com

مقدمه

«حقوق بیمار» از جمله مباحث مطرح در فقه پزشکی است که مسائل متنوعی مانند حق علاج و درمان، حق انتخاب پزشک و حق رضایت به درمان دارد. یکی از حقوق بیمار که کمتر به آن پرداخته می‌شود، «حق بیمار در افشانشدن اسرار خود» است که رویکردی اخلاقی - فقهی دارد. حرفه پزشکی از مشاغلی است که به خاطر لزوم و تسریع در روند درمان بیمار، به پزشک و کادر درمانی اجازه می‌دهد از جزئیات بیماری فرد مراجعه‌کننده باخبر باشند. همین امر باعث می‌شود که پزشک و سایر کادر درمانی در معرض اطلاعات شخصی فرد بیمار قرار بگیرند که از آن به «اسرار حرفه‌ای» نام برده می‌شود. این امر در مشاغل دیگر مانند «وکالت» و «قضاوت» نیز وجود دارد و حائز اهمیت خواهد بود. اسرار بیمار شامل همه اطلاعاتی است که فرد بیمار به پزشک می‌گوید یا اینکه پزشک با معاینه و آزمایش به آنها دست می‌یابد. این مطالب می‌تواند در محدوده امور پزشکی یا در حوزه‌های دیگر حریم خصوصی بیمار باشد. «افشای اسرار بیماران» آن‌چنان‌که شایسته است، تحقیق و پژوهش نشده است؛ هرچند در این زمینه مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها و در موارد معدودی، کتاب‌هایی در حوزه فقه پزشکی به چشم می‌خورد؛ ولی هیچ‌کدام به طور جامع و کامل به این موضوع نپرداخته‌اند. از قدیمی‌ترین فقیهانی که به بحث افشای اسرار بیماران اشاره دارند، شیخ مفید^۱ (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۷۹۶) و شیخ طوسی^۲ (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۷۲۹) هستند. در میان معاصران تنها می‌توان به کتاب *الفقه و مسائل طبیّة* نوشته آیت‌الله محمدآصف محسنی قندهاری^۳، اشاره کرد که به مسائل فراگیر پزشکان و علوم پزشکی و بهداشتی و بحث‌های فقهی مرتبط با دانش طبابت، از جمله اسرار بیماران پرداخته است. آنچه بر اهمیت تحقیق درباره این موضوع می‌افزاید، توسعه روزافزون ابزار و وسائل ارتباط جمعی مانند اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی است که «محرمانه بودن اسرار انسان‌ها» از جمله «اسرار بیماران» را در معرض تهدید جدی قرار می‌دهد. از سویی در شرع و قانون اهمیت ویژه‌ای برای حفظ و

نگهداری اطلاعات شخصی افراد ملاحظه می‌شود که هیچ مجوزی برای افشای اسرار افراد صادر نمی‌شود؛ مگر اینکه پای مصلحت بالاتر و مهم‌تری در میان باشد. در نوشتار حاضر نخست به تبیین مفاهیمی چون اخلاق پزشکی، حقوق بیمار، افشای اسرار، حوزه محرمانگی و پرونده پزشکی پرداخته شده و سپس ادله حرمت افشای اسرار بیماران در ضمن چند دلیل، بررسی شده است.

۱. مفاهیم

۱-۱. اخلاق پزشکی

افشای اسرار پزشکی توسط پزشک و کادر درمانی در زمره مسائل مرتبط با اخلاق پزشکی است که خود از مهم‌ترین و باسابقه‌ترین شاخه‌های اخلاق کاربردی به‌شمار می‌رود. توسعه و تحولات دانش پزشکی و پیدایش مسائل جدید بهداشتی و درمانی سبب شده امروزه مباحث اخلاقی این حوزه در شاخه بسیار گسترده‌تری به نام «اخلاق بهداشت و سلامت» بررسی شود که مجموعه بزرگی از مباحث اخلاقی را تشکیل می‌دهد و عرصه‌های اخلاق پزشکی و اخلاق پرستاری و اخلاقیات زیست‌پزشکی از زیرمجموعه‌های آن هستند. افشای اسرار پزشکی زیرشاخه مباحث اخلاق پزشکی و اخلاق پرستاری است (دلوری، ۱۳۹۳، ص ۳۱).

اخلاق پزشکی تاریخچه کهنی دارد و مطابق آنچه درباره تاریخ پزشکی به دست ما رسیده است، می‌توان نتیجه گرفت دانش و حرفه پزشکی از زمان‌های قدیم همراه با نوعی دستورهای اخلاقی و مقررات شغلی بوده است. پیشینه پزشکی در ایران باستان طبق برخی منابع مربوط به پیش از بقراط است و در کتاب *اوستا* قوانین بسیاری راجع به طبابت آمده است (نجم‌آبادی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۸۱). بقراط نخستین کسی بود که مبانی اخلاقی را در قالب سوگندنامه با طبابت درآمیخت. او رفتار انسانی را یکی از پایه‌های مهم درمان بیمار می‌داند و سهم بزرگی در زمینه اخلاق پزشکی دارد که در سوگندنامه او متجلی است. (لاریجانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۱۳). تمام پزشکان بزرگ

مسلمان از علم الهیات اطلاع کامل داشته‌اند و آنها که تألیفاتی داشته‌اند، هم در زمینه پزشکی بوده و هم فقه و اخلاق؛ بدین سبب در کلیه متون معتبر پزشکی، فصولی درباره اخلاق پزشکی به چشم می‌خورد. از این میان می‌توان به آثاری مانند: فردوس الحکمة در هفت جلد از علی بن ربیع طبری از طبیبان نامدار مسلمان و استاد رازی و الطب الروحانی نوشته محمد بن زکریای رازی که از مفاخر بزرگ ایران اسلامی است، اشاره کرد (ابن ابی‌اصیبه، بی تا، ج ۱، ص ۶۳).

ریشه‌های موضوع «حفظ اسرار بیماران» بیشتر در میان «سوگندنامه‌ها»^۱ و «پندنامه‌های پزشکی» مشاهده می‌شود که در آنها بر حفظ اسرار پزشکی تأکید بسیاری شده است. قدیمی‌ترین متنی که در این باره به دست ما رسیده، بی‌گمان «سوگندنامه بقراط» مربوط به سال ۴۷۰ پیش از میلاد است. در سوگندنامه بقراط آمده است: «آنچه در حین انجام دادن حرفه خود و حتی خارج از آن درباره زندگی مردم خواهم دید یا خواهم شنید که نباید فاش شود، به هیچ کس نخواهم گفت؛ زیرا این قبیل مطالب را باید به گنجینه اسرار سپرد» (جمعی از پزشکان، ۱۳۷۰، ص ۲۷۶).

در پندنامه /هوازی اثر علی بن عباس هوازی از طبیبان قرن چهارم هجری، به علت و چرایی رازداری پزشکان نیز اشاره شده است. در این پندنامه آمده: «طیب باید راز بیماران را محفوظ دارد و از افشای سر آنها به خودی و بیگانه دوری جوید؛ چراکه بسیاری از بیماران بیماری خود را از پدر و مادر و کسان خود مستور و مکتوم می‌دارند؛ ولی آن را به طیب می‌گویند. پس طیب از خود بیمار در کتمان بیماری بیشتر دقت نمایند» (همان، ص ۴۱).

۲-۱. حقوق بیمار

واژه «حقوق» جمع «حق» است که در لغت به معنای نقیض باطل و فعل «یحق» به معنای واجب شدن و محکم کردن کاری و صحت آن (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۵) استعمال شده است.

1. Promissory note.

واژه حقوق در زبان فارسی در دو معنای اصلی به کار می‌رود:

الف) مجموعه مقرراتی که در زمان معین بر جامعه حکومت می‌کند که همیشه با ترکیب جمع به کار می‌رود و برای نشان دادن مجموعه نظامات و قوانین است؛ مثل حقوق ایران، حقوق مدنی، حقوق بین‌الملل، حقوق اسلام.
 ب) امتیاز و توانایی را که حقوق هر جامعه منظم برای اعضای خود می‌شناسد که به آن حقوق فردی هم می‌گویند؛ مثل حق حیات، حق مالکیت، حق پدری (ولایت) (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۱۳)، حق علاج، حق سلامت.

با توجه به تبیین معنای حقوق دانسته می‌شود که حقوق بیمار از قسم دوم است و به مجموعه امتیازاتی گفته می‌شود که چه به لحاظ قانونی یا شرعی برای بیماران تعریف شده است و در قالب حقوق فردی شناخته می‌شود. حقوق بیمار انواع متعددی دارد که به صورت مختصر عبارت‌اند از: حق علاج، حق انتخاب پزشک، حق رضایت به درمان، حق اطلاع یافتن بر بیماری خود، حق مریض به افشا نشدن اسرار خود، حق فسخ و به هم زدن کار درمانی خود. به منظور رعایت حقوق بیماران، کشورهای گوناگون جهان مجموعه‌ای از حقوق بیماران را تحت عنوان «منشور حقوق بیمار»^۱ تدوین و تصویب کرده‌اند و سازمان‌های بهداشتی و درمانی خود را به اجرای این منشور ملزم نموده‌اند.

۱- ۳. بیمار

در زبان فارسی بیمار را با الفاظی مانند ناخوش، دردمند و رنجور بیان می‌کنند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۵۲۶۹) و در لغت عرب از واژه‌های همچون مریض، سقیم و علیل که به خارج شدن حالت مزاج انسان از اعتدالی که ویژه انسان است، اطلاق می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۶۵).

در پزشکی عمومی، بیمار فردی است که ناخوش است و اختلال دارد که در لاتین به آن "disease یا illness" می‌گویند؛ هرچند بین دو تعبیر فرق می‌گذارند و

دومی را به ناراحتی ذهنی اطلاق می‌کنند (گراهام گلدنر، ۱۳۸۱، ص ۳۶). در فقه، بیماری مقابل سلامت و تندرستی است که معمولاً از آثار بیماری سخن گفته می‌شود؛ چراکه بیماری به لحاظ ایجاد ضعف و ناتوانی جسمانی و در مواردی عقلانی در بیمار، در تغییر احکام به لحاظ تغییر موضوع آن، آثاری در پی دارد (هاشمی شاهرودی و همکاران، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۲۰۹).

۱- ۴. انواع بیماری

بیماری‌ها اقسام فراوانی دارند که در تقسیم‌بندی آنها جهات گوناگونی در نظر گرفته می‌شود؛ مانند جسمی و روانی، مهلك و غیرمهلك، مسری و غیرمسری، ویروسی یا باکتریایی. برخی از بیماری‌ها با موضوع رازداری هم‌خوانی بیشتری دارند؛ به‌گونه‌ای که بیماران انگیزه بیشتری برای پنهان کردن نوع بیماری خود دارند؛ برخلاف برخی دیگر از بیماری‌ها که موضوع چندان بااهمیتی نیستند تا در حوزه اسرار محرمانه او جای بگیرند؛ برای نمونه از دید فرد بیمار، ابتلا به ایدز و سرطان تفاوت بسیاری با بیماری آنفلوانزا و سینوزیت دارد و بیمارانی که مریضی سخت و مهلك دارند، تلاش بسیاری می‌کنند که دیگران از بیماری و اسرار مرتبط با آن آگاه نشوند.

یکی از مهم‌ترین ملاک‌هایی که جنبه راز و سری بودن بیماری را پررنگ جلوه می‌دهد، جنبه عیب و نقص بودن یک بیماری است که به دو صورت تقسیم می‌شود:

الف) بیماری‌هایی که باعث نقص ظاهری در بیمار می‌شوند؛ مانند اقسام بیماری‌های پوستی همچون: طاسی، سیاه‌زخم، برص (پسی) و جذام (خوره)؛

ب) بیماری‌هایی که آثار و عوارض آنها چنان آشکار نیست که از ظاهر بیمار به‌وضوح بتوان به آن بیماری پی برد؛ مانند هموفیلی، تالاسمی، انواع سرطان و هپاتیت.

در این میان برخی از بیماری‌ها حساسیت بیشتری دارند؛ مانند بیماری‌های جنسی و بیماری‌های عصبی. در بیماری جنسی به این دلیل که راه انتقال بیشتر از طریق تماس جنسی است و خود بیماری نیز مربوط به اعضای تناسلی فرد می‌شود،

فرد بیمار در معرض اتهام واقع می‌شود و تلاش بسیاری در پنهان کردن بیماری خود دارد. برخی دیگر از بیماری‌های غیرآمیزشی نیز از این جمله‌اند؛ مانند سلس بول (بی‌اختیاری ادرار)، مبطون (خروج غیراختیاری مدفوع و باد معده)، بواسیر (هموروئید) و عفونت و التهاب مهبل و رحم در زنان یا التهاب پروستات در مردان. دسته دیگر از بیمارانی که در پنهان کردن بیماری خود می‌کوشند، بیماران اعصاب و روان هستند که به علت نگاه خاص جامعه به آنها گاهی از اساس، منکر بیماری خویش شوند. برخی از انواع آن عبارت‌اند از: افسردگی، اختلال اضطرابی و اختلال شخصیت (لیتین و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۱۸۰)؛ بنابراین بیماری‌هایی که به هر علتی در دید مردم، متفاوت‌تر از انواع دیگر آن است، زمینه بیشتری برای محرمانگی و حفظ اسرار بیماران فراهم می‌آورند.

۱- ۵. راز

در زبان فارسی «راز»^۱ به امر نهانی و سری و رمزی اطلاق می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۱۱۶۹۸). در زبان عربی معادل واژه «راز»، کلمه «سر» است که گفته‌اند: امری است که در نفس انسان مکتوم است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۰۴) و مخفی نگه داشته می‌شود (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۵۷).

در اصطلاح، سرّ امری است که به‌طور معمول انگیزه و داعی بر پنهان کردن آن وجود داشته باشد؛ بنابراین اگر افرادی به‌ندرت به اخفای امری میل نداشته باشند و بخواهند آن را آشکار کنند، ضرری به ماهیت سرّی بودن آن امر ندارد و سرّی بود آن را نفی نمی‌کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۶۷).

«اسرار شغلی و حرفه‌ای»^۲ که در عربی امروز به آن «السّرّ المهنی» گفته می‌شود، شامل آن دسته از اسراری است که به سبب شغل و حرفه و پیشه انسان ایجاد می‌شود که اگر این شغل خاص را نداشت، از چنین اسراری باخبر نمی‌شد؛

1. Mystery or secret.

2. The secrets of the work.

زیرا برخی مشاغل هستند که بیشتر با اطلاعات افراد سروکار دارند؛ مانند وکیل دادگستری که باید از تمامی اطلاعات موکل در مورد پرونده‌ای که به او سپرده شده، آگاه باشد تا بتواند از موکل خود در دادگاه دفاع کند. به این افراد، «رازداران قهری» نیز می‌گویند (ولیدی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۵۱).

«سرّ پزشکی» شامل اطلاعاتی است که پزشک به واسطه شغل پزشکی از بیمار خود به دست می‌آورد و در صورت افشای آن مجازات خواهد شد. بقراط در سوگندنامه معروفش آورده: «آنچه در حین انجام دادن حرفه خود و حتی خارج از آن درباره زندگی مردم خواهم دید یا خواهم شنید که نباید فاش شود، به هیچ کس نخواهم گفت؛ زیرا این قبیل مطالب را باید به گنجینه اسرار سپرد» (ابن ابی‌اصیبه، بی تا، ص ۴۵). راه‌های کسب اطلاع از بیمار سه گونه است:

الف) بیمار در اختیار پزشک قرار می‌دهد؛

ب) پزشک با معاینه بیمار و مشاهده محیط پیرامون و احوال زندگی وی به دست می‌آورد؛

ج) اشخاص دیگر در خصوص بیمار در اختیار پزشک قرار می‌دهند.

پرسی که ممکن است پیش آید، این است که آیا راز بیمار به مواردی محدود است که بیمار در شرح حال خود هنگام معاینه می‌گوید و در امور مربوط به درمان بیمار کاربرد دارد یا شامل تمامی اطلاعاتی می‌شود که پزشک از بیمار به دست می‌آورد؛ مانند اسرار خانوادگی و تجاری و سیاسی و اجتماعی؟

پاسخ این است که عنوان راز و سرّ به موارد خاصی محدود نیست و هرچه در عرف به آن راز اطلاق شود، در محدوده ادله شرعی حفاظت از اسرار و افشا نشدن آن خواهد آمد و فرقی نمی‌کند که اطلاعات درمانی و بالینی بیمار باشد یا اطلاعات شخصی و خانوادگی او.

آنچه ادعای ما را تأیید می‌کند، بررسی ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ است. در این ماده آمده: «اطبا و جراحان و ماماها و دارو فروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل و حرفه خود محرم اسرار

می‌شوند، هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را فاش کنند، به سه ماه و یک روز و یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند. در این ماده عبارت «کلیه کسانی که به مناسبت شغل و حرفه خود محرم اسرار می‌شوند»، درباره تمام اقسام اسرار بیماران توسعه و شمول دارد.

۱- ۶. مدارک پزشکی

مجموعه‌ای گردآوری شده از اطلاعات حیاتی و تاریخچه درمانی بیمار است. این مجموعه شامل اطلاعاتی است از بیماری‌های گذشته، بیماری‌های فعلی و درمان‌های بیمار که افراد مسئول در ارائه خدمات به بیمار نوشته‌اند. بدین منظور مدارک پزشکی باید به گونه‌ای جمع‌آوری شود که داده‌های کافی و مناسب را از هویت بیمار تشخیص بدهد و دلیل ارائه خدمات بهداشتی- درمانی برای ارائه‌کنندگان خدمات درمانی باشد و ضمن ثبت دقیق نتایج اقدامات درمانی، معالجه و درمان بیمار را توجیه کند و از آن به عنوان ابزاری مکمل در ارتقای خدمات تمام تخصص‌های سیستم بهداشت و درمان استفاده شود. (مرادی، ۱۳۸۲، ص ۲۲) از داده‌های پزشکی افزون بر مدیریت مراقبت بیمار می‌توان در حوزه‌هایی همچون بررسی کیفی، بازپرداخت مالی، بهداشت عمومی، آموزش و پژوهش بهره گرفت (هافمن و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۳۹).

۱- ۷. حریم خصوصی

حریم خصوصی یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین حقوق هر انسانی به‌شمار می‌رود و ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با شخصیت او دارد. این واژه مفهومی سیال دارد که امروزه مصادیق بسیاری از قبیل آزادی وجدان و اندیشه، کنترل بر جسم خود، داشتن خلوت و تنهایی در منزل و مکان خصوصی، کنترل بر اطلاعات شخصی، رهایی از نظارت‌های سمعی و بصری دیگران، حمایت از حیثیت و اعتبار خود و حمایت در برابر تفتیش‌ها و تجسس‌ها و رهگیری‌ها را دربرمی‌گیرد (انصاری،

۱۳۸۶، ص ۱۱). دهخدا ذیل واژه «حریم» می‌نویسد: «چیزی که دست بدان نتوان زد و آن را حمایت کنند و جنگ کنند بر آن» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۸۹۰۴). این واژه اصطلاحی است که امروزه به صورت گسترده در محاوره عمومی و در حوزه‌های حقوقی، سیاسی، اجتماعی و فلسفی و در فضای حقیقی و مجازی به کار می‌رود. (آقابابایی، ۱۳۹۶، ص ۳۵). حق حریم خصوصی تنها به افراد متعلق است و جنبه معنوی دارد؛ بر خلاف اشخاص حقوقی مانند شرکت‌های تجاری که غالباً افشا شدن اطلاعات و اسرار شغلی ایشان جنبه مادی دارد (کاتوزیان و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۸۶). این اصل در منابع اصلی شریعت اسلامی مقبول و مورد تأیید و تأکید است و مصادیق گوناگونی از حمایت قانون از حریم خصوصی در قوانین و مقررات موضوعه جمهوری اسلامی پیش‌بینی شده است. برخی از مهم‌ترین مصادیق حریم خصوصی در «اصل بیست و پنجم قانون اساسی» نام برده شده و مورد حمایت قرار گرفته‌اند، از جمله بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکسی، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق‌سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون (همان، ص ۱۰۵).

رازداری ارتباط نزدیکی با مفهوم گسترده حریم خصوصی دارد؛ ولی در عین حال حریم خصوصی و رازداری یکسان نیستند. حریم خصوصی به ویژگی‌های منحصر به فرد افراد مانند حریم خصوصی افکار، احساسات و تمایلات اشاره دارد؛ در حالی که رازداری همیشه به زمینه‌های ارتباطی که بین دو نفر یا بیشتر است، اشاره دارد. در بعضی موارد دو واژه «حریم خصوصی» و «رازداری» به جای همدیگر به کار می‌روند؛ برای نمونه کدهای اخلاق حرفه‌ای معمولاً این واژه را به جای یکدیگر به کار می‌برند. همچنین این دو مفهوم در یک جنبه دیگر نیز با هم متفاوت‌اند؛ بدین نحو که اسقاط حریم خصوصی فرد پیش‌زمینه‌ای برای برقرار شدن رازداری است. رازداری به برقراری ارتباط حداقل بین دو نفر نیاز دارد که یکی از آنها اطلاعات شخصی را برای دیگری آشکار می‌کند (پارسا، ۱۳۸۸، ص ۲).

حریم خصوصی بیماران و افشا نشدن اسرار یا اطلاعات پزشکی آنان یکی دیگر از حوزه‌های مهم حریم خصوصی است که حقی بنیادین و برخاسته از کرامت انسانی و واجد ارزش اساسی است؛ هرچند مانند بسیاری از حقوق اساسی و بنیادین دیگر نمی‌توان آن را به عنوان حقی مطلق و بدون محدودیت و بدون استثنا دانست. با وجود ابعاد گسترده حریم خصوصی در مورد بیماران و حوزه سلامت، آنچه در بیشتر مطالعات تحت عنوان حریم و به منظور حفظ شأن و منزلت بیمار مورد توجه قرار گرفته، حریم فیزیکی و اطلاعاتی است. بُعد فیزیکی حریم درجه‌ای از حریم فرد است که او را به طور فیزیکی در دسترس دیگران قرار می‌دهد و به عبارتی دست‌یافتنی می‌کند. یکی از مظاهر آشکار نقض حریم در این حوزه، نمایان شدن بدن بیمار در اتاق جراحی یا هنگام وارد شدن کادر درمانی و پزشکان یا پرستاران به اتاق بیماران و مواردی این‌چنین است (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۱۹۴). حریم خصوصی بیمار در دوران معاصر با توجه به پیشرفت‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، اهمیت دوچندان یافته و می‌توان گفت به چالش برنامه‌های توسعه سلامت الکترونیکی و پرونده الکترونیکی سلامت تبدیل شده است. بنابراین می‌توان بزرگ‌ترین مشکل رازداری در مراقبت‌های پزشکی نوین را ناشی از پیشرفت فناوری‌ها در ذخیره، بازیابی و دسترسی به اطلاعات دانست. کامپیوتری شدن گزارش‌های پزشکی باعث ارتقای اطلاعات آماری و تسهیل وظایف اداری می‌شود. با وجود این دسترسی بخش‌های دیگر به این اطلاعات، مانند کارمندان مراکز درمانی، آژانس‌های دولتی، پرداخت‌کنندگان هزینه‌های مراقبتی، اعضای خانواده بیمار و دیگران، شخص بیمار و حتی پزشک را تهدید می‌کند تا کنترل و نظارت بیشتری روی این اطلاعات داشته باشند (جانسون و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۲۹۳).

۱ - ۸. افشای سرّ

دهخدا در ذیل واژه «افشا» می‌نویسد: «فاش و آشکار کردن که با لفظ کردن و شدن همراه است» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۰۷۵). «إفشاء» در لغت عرب مصدر باب

افعال از ریشه «فَشَوَ» به معنای ظاهر و آشکار کردن چیزی مانند افشای سرّ است. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۲۸۹) تفاوتی نمی‌کند که افشا به صورت کتبی باشد یا شفاهی، جزئی باشد یا کلی؛ بلکه صرف اطلاع دادن راز به دیگران، حتی به یک نفر با تأکید بر این نکته که این موضوع سرّ است و نباید فاش شود، در تحقق مفهوم افشا کافی است. وسیله و چگونگی افشای سرّ هم شرط نیست؛ به هر صورتی که این شرط به وقوع پیوندد، افشای راز محقق شده است. بنابراین چنانچه پزشک سرّ حرفه‌ای را نزد همسر خود بازگو کند یا در غیر از موارد قانونی و توجیه‌پذیر،^۱ موضوع را با پزشک دیگری در میان بگذارد یا در مصاحبه با مطبوعات و رادیو و تلویزیون یا در کتاب و مقاله یا سمینار پزشکی و غیرپزشکی مطرح کند و حتی در صورتی که بیمار از بستگان او باشد، موجبی برای رفع مسئولیت از پزشک و افشاکننده راز قلمداد نمی‌شود (عباسی، ۱۳۸۲، ص ۷۲) و در همه این صور، مفهوم افشای اسرار بیمار محقق شده است. گفتنی است که در تحقق مفهوم عرفی افشا، فرقی بین پزشک و کادر درمانی و افراد دیگر وجود ندارد و از منظر فقهی، برخورد یکسانی با آن خواهد شد.

۲. ادله حرمت افشای اسرار بیماران

«رازداری» از جمله موضوعاتی است که در ذیل عنوان «مکاسب محرمه» فقه بررسی می‌شود که البته به‌طور مستقل و مبسوط در مورد ادله حرمت آن بحث نشده است و تنها به طور استطرادی و مختصر در برخی ابواب فقهی مانند «غیبت» و «نمیمه» یا در شرایط احراز «عدالت امام جماعت» در کتاب صلاة از آن سخن به میان آمده است؛ هرچند در ابواب پرشمار کتاب‌های حدیثی (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۶۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۲۹۴) و برخی فصول کتاب‌های اخلاقی از آن بیشتر سخن گفته شده است. (ر.ک: فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۳۷؛ نراقی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۸۲؛ نراقی، ۱۳۷۸، ص ۵۴۲). در ابتدا به

۱. یکی از مباحث مهم مرتبط با اسرار بیماران، موارد مجاز افشای اسرار آنهاست که تبیین و بررسی آن به مجال بیشتر و جداگانه‌ای نیاز دارد.

مقتضای اصل اولی در این زمینه می‌پردازیم، سپس از آیات و روایات متناسب با موضوع رازداری بهره خواهیم گرفت.

۲- ۱. مقتضای اصل اولی

اصل اولی یا عنوان اولی در برابر اصل یا عنوان ثانوی، در یک تعبیر به معنای قاعده مستفاد از عمومات و اطلاقات فقهی است که وصفی است که برای ذات اشیا و موضوعات صرف نظر از عوارض خارجی اثبات می‌شود؛ مانند عنوان بیع و ربا که در آیه شریفه «وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» (بقره: ۲۷۵) به خودی خود و بدون ملاحظه عوارض خارجی، حکم حلیت و حرمت را برای ذات معامله به ارمغان می‌آورند. تعبیر دیگری از اصل اولی که مراد ماست، به معنای اصل عملیه موضوعی است که فارغ از تمام ادله موجود بر حرمت افشای اسرار بیماران، در اثبات حکم آن جاری می‌شود.

بنا بر اصل اولیه «عدم ولایت و عدم سلطنت» (علامه حلی، بی‌تا، ص ۵۳۹) و «اصل عدم نفوذ حکم» (عراقی، ۱۴۲۱ق، ص ۴۲) هیچ فردی بر دیگری ولایت و برتری ندارد، (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۱۴۴)؛ زیرا همه بندگان خداوند در عبودیت با هم برابرند و هیچ کس از آنها نمی‌تواند بر مثل خود تسلط داشته باشد (کاشف الغطا، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۰۷). این ولایت امری جعلی و اعتباری و مسبوق به عدم بوده است در هنگام شک در ثبوت آن، حالت عدم را استصحاب می‌کنیم. (تبریزی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۹)؛ پس هرگونه تصرف در شئون زندگی و اموال مردم و تحمیل چیزی بر آنان ظلم و تجاوز به آنان قلمداد می‌شود که از جمله آنها می‌توان به زیر نظر گرفتن پنهانی دیگران و کاوش و جست‌وجو کردن درباره آنان و نیز افشاگری و پخش کردن عیب‌ها و اسرارشان اشاره کرد که نوعی تصرف و دخالت درباره دیگران به شمار می‌آید (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۳۹)؛ از این رو افشای اسرار بیماران که از مصادیق تصرف و دخالت در حریم شخصی بیمار به شمار می‌رود، نفی می‌شود؛ زیرا در این موارد «اصل عدم ولایت» جاری می‌شود و به مقتضای آن ولایت و دخالت در امور دیگران نفی و به تبع آن افشای اسرار امری غیرجایز

قلمداد می‌شود؛ چون هیچ مجوزی در این فرض لحاظ نشده است.

۲-۲. آیات افشای راز

از آیاتی که به کمک توسعه در ملاک می‌توان به حکم افشای اسرار رسید، آیات آغازین سوره تحریم است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رازی را به یکی از همسران خود گفت و او نیز ماجرا را به همسر دیگر حضرت خبر داد. رسول خدا صلی الله علیه و آله سخت اندوهگین شد و آیات سوره تحریم فرود آمد و ماجرا را چنان پایان داد که دیگر این‌گونه کارها در درون خانه پیامبر صلی الله علیه و آله تکرار نشود. آیه‌ای که به روشنی بر حرمت افشای راز دلالت دارد، آیه چهارم از همین سوره می‌فرماید: ﴿إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا﴾ اگر [شما دو زن] به درگاه خدا توبه کنید، [بهتر است]، واقعاً دل‌هایتان انحراف پیدا کرده است. تمامی تفاسیر (رک: تفاسیر شیعه مثل: طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۱۰، ص ۴۷۰؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۴۷؛ قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۷۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۳۱ و تفاسیر عامه مثل: طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۸، ص ۱۰۴-۱۰۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۵۷۰؛ بیضاوی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۲۲۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۴۲) بر این باورند که آن دو زن خطاکار، حفصه و عایشه، دو همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند و آشکارکردن راز پیامبر صلی الله علیه و آله یک عمل قبیح و گناه بوده است؛ به دو دلیل:

۱. پس از اینکه راز پیامبر صلی الله علیه و آله توسط همسرش آشکار شد، خداوند متعال بی‌درنگ آن زن را به توبه فرامی‌خواند و از سویی هم مسلم است که توبه کردن در جایی صورت می‌گیرد که معصیت و نافرمانی صورت گرفته باشد؛ پس می‌توان نتیجه گرفت که افشای راز یک معصیت و از نظر شرعی حرام است.

۲. «صغت» که فعل ماضی است و از ماده «صغو» گرفته شده و به معنای میل «صغا یصغو و یصغی صغو، أي مال» (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۲۴۰۰) و گاهی کنایه از هلاکت «فلان مُصغی إناؤه أي: منقوص حظّه، وقد یکنی به عن الهلاک» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۸۶) است، در اینجا به معنای میل به گناه و باطل (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۴۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۱۰، ص ۴۷۴) است و می‌تواند دلیلی بر مدعای ما (حرمت افشای راز) باشد؛

چون این تعبیر هنگامی به کار می رود که فردی مرتکب عملی شده باشد که از نظر شرع مقدس نکوهیده و ناشایست باشد. پس از مجموع این دو نکته می توان نتیجه گرفت که فاش کردن اسرار یک عمل ناپسند و حرام نزد شارع مقدس است. آنچه از آیه افشای راز پیامبر ﷺ برداشت می شود، این است که آشکار کردن اسرار شخصی ایشان حتی توسط نزدیک ترین افراد، یعنی همسر، بدون اجازه و رضایت رسول خدا ﷺ، جایز نخواهد بود؛ بنابراین افشای اسرار بیماران که شامل فاش کردن اطلاعات پرونده پزشکی آنها و ورود به حریم خصوصی آنها می شود، جایز نخواهد بود؛ به ویژه که این کار توسط افراد بیگانه و غریبه و بدون هیچ توجیه شرعی و قانونی صورت پذیرد.

۳-۲. آیه نهی از خیانت در امانت

از جمله موضوعات متناسب با مسئله رازداری، خیانت در امانت است. خیانت در سه محدوده اعمال و اموال و اقوال تصور می شود که می تواند درباره اشخاص و گروه ها و کشورها وجود داشته باشد. خیانت در اعمال به این نحو است که فردی بر عملی گماشته و اجیر می شود؛ ولی کار خود را انجام نمی دهد یا به طور ناقص انجام می دهد؛ در اموال نیز در صورتی است که فرد امین در نگهداری مالی که نزد او امانت است، کوتاهی کند؛ اما خیانت در اقوال در موردی است که فردی که از راز دیگری آگاه شده، آن را افشا کند. بنابراین امانت معنای گسترده ای دارد و هرگونه سرمایه مادی و معنوی را دربر می گیرد که از جمله می توان به امانت های خدا و پیامبران الهی، نعمت های خدا، آیین، کتاب های آسمانی، دستورالعمل های دینی، اموال و فرزندان، پست ها و مقام ها^۱ اشاره کرد.

۱. امام علی علیه السلام در نامه پنجم نهج البلاغه خطاب به اشعث بن قیس می فرماید: «إن عملک لیس لک بطعمه ولكن فی عتقک أمانة: مبدا چنین پنداری که حکومت تو برای تو لقمه چرب و شیرینی است؛ بلکه امانتی است بر گردن تو که باید در دنیا و آخرت از آن جواب بدهی». همان گونه که هویداست، حضرت حکومت و مقام را امانتی می داند که حاکم باید مراعات آن را کند و در قبال وظیفه اش مسئول باشد.

(منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۲۳ق، ص ۳۳۳).

شیخ صدوق^{رحمته} در تفسیر حدیث نبوی «لَا تَجُوزُ شَهَادَةُ خَائِنٍ وَلَا خَائِنَةٍ» می‌گوید: خیانت تنها در امور مادی و مال خلاصه نمی‌شود؛ بلکه شامل موارد معنوی نیز می‌شود، مثل اینکه در سرّی که بر آن امین شمرده شده خیانت بکند که افشای آن باعث هلاکت صاحب سرّ یا بی‌آبرویی و منقصت اجتماعی او می‌شود (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۲۰۸).

یکی از بهترین ادله حرمت خیانت در امانت آیه ۲۷ سوره انفال است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾

ای اهل ایمان! [با فاش کردن اسرار و جاسوسی برای دشمن] به خدا و پیامبر خیانت نکنید و به امانت‌های میان خود نیز خیانت نورزید؛ درحالی که می‌دانید [خیانت عملی بسیار زشت است].

در هر دو واقعه‌ای که به عنوان شأن نزول آیه شریفه مطرح شده است، (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۴، ص ۸۲) موضوع سرّی و محرمانه‌ای وجود داشته که حفظ آن برای مسلمانان از نظر نظامی اهمیت ویژه‌ای داشته است؛ ازاین‌رو افشای آن اسرار راهبردی و حیاتی، مورد بازخواست و نکوهش الهی واقع شده است و مصداقی از خیانت به خداوند متعال و پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} و خیانت در امانت‌ها، شمرده شده است.

خیانت در امانتی که در این آیه از آن نهی شده، افشای اسرار نظامی است که می‌توان حکم آن را در تمامی مواردی که افشای اسرار مصداقی از خیانت باشد، سرایت داد؛ با این تفاوت که در آیه شریفه چون اسرار نظامی، مهم و برای اسلام و مسلمانان، سرنوشت‌ساز بوده، خیانت به خداوند متعال و رسول اکرم^{صلی الله علیه و آله} و خیانت در امانت قلمداد می‌شود و مصداقی برای هر سه مورد منهی‌عنه در آیه است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۴۷۵)؛ ولی در موارد دیگر از جمله افشای اسرار بیماران که اهمیت راهبردی و حیاتی ندارند، تنها مصداقی از خیانت در امانت به شمار می‌آید که با خطاب «وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ» به آن اشاره شده است؛ هرچند همه

مصادیق آن - چه اسرار نظامی و چه اسرار بیماران - در حکم شرعی که حرام تکلیفی است، مشترک‌اند.

۲-۴. روایت تحریم اذاعه سرّ

یکی از بهترین ادله حرمت افشای اسرار بیمار، روایت عبدالله بن سنان است. این روایت در چند کتاب معتبر شیعه دارای سندهای متفاوت است (کوفی اهوازی، ۱۴۰۴، ص ۷۰؛ برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۰۴؛ صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۲۵۵):

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: عَوْرَةُ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ؟ قَالَ: نَعَمْ. قُلْتُ: تَعْنِي سَفْلِيهِ؟ قَالَ: لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ! إِنَّمَا هِيَ إِذَاعَةُ سِرِّهِ»؛ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵۸)

«عبدالله بن سنان می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا عورت مؤمن بر مؤمن حرام است؟ فرمود: آری، عرض کردم: یعنی شرمگاهش (مواضع جنسی)؟ فرمود: آن طوری که فکر می کنی، نیست؛ بلکه مراد از عورت، افشای راز مؤمن است».

روایت از نظر سندی، صحیح و معتبر است. محمد بن یحیی العطار از مشایخ کلینی و ثقات و بزرگان قم (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۵۳) و احمد بن محمد بن عیسی هم از اعیان شهر قم است (همان، ص ۸۲). حسن بن محبوب از اصحاب اجماع و ثقات به شمار می رود (طوسی، بی تا، ص ۴۶). عبدالله بن سنان که راوی اصلی این حدیث از امام صادق علیه السلام است، از بزرگان شیعه به شمار می رود. در تبیین دلالت روایت، ابتدا به وجه تشابه بین «عورت» و «اسرار» پرداخته می شود؛ معنای راز امری پنهانی است که به طور معمول، انگیزه بر پنهان نگه داشتن آن وجود دارد. از سویی در عرف، پوشاندن عورت لازم است (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۸، ص ۲۵۹) و به همین سبب است که به مواضع جنسی در زبان فارسی «شرمگاه» و در عربی «عورت» گفته می شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۹۵)، پس راز و عورت هر دو از اموری هستند که باید پوشیده و پنهان بمانند. روایت به لحاظ منطقی، دارای قیاس شکل

اول است؛ به این صورت که اسرار عورت هستند (و افشای اسرار مانند دیدن عورت است)، دیدن عورت حرام است، در نتیجه افشای اسرار حرام است؛ به بیان دیگر امام علیه السلام در صدر روایت، کبرای کلی حرمت آشکار کردن عورت مؤمن را بیان فرموده و در ذیل آن افشای سر را مصداقی از این عمل حرام برشمرده است که در نتیجه افشای اسرار حرام خواهد بود.

بنابراین با توجه به پاسخ امام، افشای اسرار از لحاظ حکم، یکی از مصادیق کشف عورت است که حرمت آن از مسلمات فقه (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۷۴) و از احکام فطری و عقلی و عقلانی است (مشکینی، ۱۳۷۷، ص ۲۹۵)؛ از این رو افشای اسرار بیماران دارای حکم حرمت خواهد بود؛ زیرا در هر موردی که اطلاعات بیماران از مصادیق سر شمرده شود، به طور قطعی طبق مضمون این روایت حرام شمرده می شود؛ زیرا امام علیه السلام «سر» را یک از مصادیق «عورت» می داند (کاشف الغطا، ۱۴۲۲ق، ص ۲۴) که هیچ کسی به طور متعارف و معمول به آشکار شدن آن راضی نمی شود.

۲-۵. روایت امانت‌داری در مجالس

از جمله ادله رازداری، روایتی است که در عرف مشهور است و بیشتر در مورد حفظ اسرار مجالس خصوصی به کار می رود.

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ بَنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ، عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ»
(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۶۰)؛

«امام محمد باقر علیه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله نقل می فرماید: مجالس‌ها امانت است.»

روایت دارای سند صحیح و معتبر است علی بن ابراهیم از بزرگان قم و ابن ابی عمیر (کشی، ۱۳۶۳، ص ۵۵۶) و حماد بن عثمان (همان، ص ۳۷۵) هر دو از اصحاب اجماع هستند. زراره نیز از بزرگان شیعه و ابراهیم بن هاشم قمی نخستین فردی است که حدیث کوفیون را در قم منتشر کرد (همان، ص ۱۶).

کلمه «المجالس» به سبب وجود «ال» عمومیت دارد (فاضل لکنرانی، ۱۳۸۱، ج ۶،

ص ۱۸۵) و شامل همهٔ مجلس‌ها و همهٔ آنچه در مجالس اتفاق می‌افتد، می‌شود؛ چه کلام و چه افعال یا هر حرکتی که در آن جلسه روی دهد و فرقی نمی‌کند مجلس بین دو نفر باشد یا بیشتر (ابن‌اثیر جزری، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۶۹). گویی در یک مجلسی که افرادی حاضرند و از چیزی آگاهی می‌یابند، محرم اسرار آن جمع شمرده می‌شوند و این اطلاعات به همین جمع محدود مربوط می‌شود که نباید در جای دیگری گفته شود (مجلسی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۳۰). اکنون که مشخص شد امانت‌داری در ناحیهٔ اقوال و افعال لازم است، وقتی بیماری اطلاعات مربوط به خودش را در اختیار کادر درمانی بیمارستان قرار می‌دهد، از باب امانت باید از آن محافظت کرد و در نگهداری از اسرار بیماران کوشید. این روایت هرچند ظاهر «اخباری» دارد و «انشایی» و دارای امر و نهی شرعی نیست، ولی مفهومی که از آن برداشت می‌شود، بیانگر یک حکم انشایی است که نمونه‌های بسیاری از آن در روایات دیده می‌شود. (خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۷۱).

۶-۲. ادلهٔ تحریم غیبت

یکی دیگر از ادله‌ای که می‌توان از آن برای لزوم رازداری در مورد اسرار بیماران و عدم جواز افشای آن بهره برد، ادلهٔ حرمت غیبت (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۱۵) است؛ زیرا در هردو مورد بحث از آشکار کردن امر مخفی و پنهان است که به‌طور معمول همراه با مفسده است و مصلحتی در افشای آن تصور نمی‌شود. هرچند روی سخن بیشتر متوجه افراد غیر کادر درمانی است؛ زیرا به‌طور معمول انگیزهٔ غیبت در میان کادر درمانی کمتر به چشم می‌خورد.

بنا به نظر مشهور، شروط تحقق غیبت عبارت‌اند از: عیب و نقص بودن، قصد نکوهش و انتقاص، ناراحت شدن فرد مغتاب (عاملی، بی‌تا، ص ۲۸۴). اکنون باید ملاحظه کرد که افشای اسرار بیماران در چه صورتی واجد این سه شرط خواهد بود تا عنوان غیبت تحقق یابد.

شیخ انصاری رحمته‌الله می‌نویسد: اگر کلامی که پشت سر کسی گفته می‌شود، بیانگر

نقصی بر او نباشد، غیبت صادق نیست. (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۲۹). صاحب جواهر^{علیه السلام} اقسام نقص را شامل بدن، نسب، خلقت، افعال، کلام، امور دینی و دنیایی و حتی لباس و حیوان و خانه انسان می‌داند (نجفی، ۱۳۶۳ق، ج ۲۲، ص ۶۴). برخی بیماری‌ها در عرف نقصی شمرده می‌شود؛ به گونه‌ای که فرد بیمار به آن حساسیت نشان می‌دهد و دوست ندارند کسی از آن آگاه شود. این حساسیت می‌تواند به علت مهلک بودن بیماری باشد؛ مثل سرطان، تالاسمی، تومور مغزی و ام‌اس. برخی دیگر از بیماری‌ها نیز باینکه مهلک نیستند، ولی از ناحیه دیگری حساسیت برانگیزند؛ مانند بیماری‌های اعصاب و روان و پوستی و بیماری‌های مقاربتی و مربوط به اعضای تناسلی یا کنترل نداشتن بر ادرار و مدفوع. در برخی از این بیماری‌های مانند ایدز که احتمال ابتلا از راه‌های نامشروع را بیشتر در ذهن شنونده تداعی می‌کند، این مطلب اهمیت بیشتری می‌یابد، زیرا افزون بر غیبت شخص بیمار، او را در معرض اتهام به اعمال جنسی نامشروع و پرخطر قرار می‌دهد. در برخی موارد به‌طور معمول قصد نکوهش متصور نیست؛ برای نمونه داشتن قند و چربی خون و فشار خون هرچند جزو بیماری شمرده می‌شوند، ولی کمتر مواردی را می‌توان یافت که دستمایه‌ای برای مذمت و تنقیص دیگران بشود.

بر اساس آنچه گذشت، اگر کسی به قصد نکوهش بیماری، عیب او را فاش کند تا ناراحت شود، مصداق غیبت خواهد بود. برخی بزرگان مانند امام خمینی^{علیه السلام} قید ناراحت شدن شخص را در مفهوم غیبت دخیل نمی‌دانند؛ به این بیان که در عرف، تحقق عنوان غیبت بر کسی که به آن راضی باشد نیز صادق است؛ بنابراین می‌گویند: از اینکه غیبتش را می‌کنند، ناراحت نشد و راضی به غیبتش شد (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۹۰ - ۳۹۱).

همچنین بنا بر نظر شهید ثانی^{علیه السلام}، هر نوع بیماری اگر مصداقی از عیب قلمداد شود، بیان آن به قصد نکوهش، غیبت شمرده می‌شود و فرقی بین بیماری ظاهری و پنهان وجود ندارد؛ زیرا ملاک نقص عرفی است (عاملی، بی‌تا، ص ۲۸۴)؛ ولی بنا بر نظر شیخ انصاری^{علیه السلام} (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۲۴) و امام خمینی^{علیه السلام} تنها در صورتی

غیبت صادق است که عیب و بیماری، مخفی و مستور باشد؛ با ذکر این نکته که امام خمینی علیه السلام درباره ملاک عیب مخفی به عرفی بودن عنوان ستر و خفا قائل شده است. (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۹۷)

با وجود برخی اختلاف نظرها در شروط غیبت، اگر همه قیود محقق عنوان غیبت وجود داشت، طبق نظر همه فقها مشمول ادله تحریم غیبت می شود؛ هرچند این اختلاف دایره صدق عنوان غیبت را متغیر کرده و با سعه و ضیق همراه می کند؛ به گونه ای که بنا بر نظر شیخ انصاری علیه السلام ضیق تر و دارای افراد کمتری خواهد بود؛ بر خلاف نظر شهید ثانی علیه السلام و امام خمینی علیه السلام که هرکدام با حذف قیدی، شمول ادله غیبت و تحریم افشای اسرار بیماران را توسعه داده اند.

۷-۲. ادله حرمت تجسس

یکی دیگر از موضوعاتی که با رازداری همراه و قرین است، پرهیز از تجسس و تتبع در مورد امور دیگران است؛ به گونه ای که اگر تفحص و تجسس ممنوع شود، به طریق اولی افشای اسرار نیز غیرمجاز خواهد بود؛ زیرا ملاک حرمت در افشای اسرار به مراتب بیشتر از تجسس است و هنگامی که آگاهی یافتن از اسرار دیگران حرام باشد، بی گمان افشای آنها نیز حرام خواهد بود. در واقع تحریم تجسس مقدمه ای بر حفظ حریم و اسرار دیگران خواهد بود (عاملی، بی تا، ص ۲۹۴). لازم به ذکر است که هرچند تجسس در مورد پزشکان و کادر درمانی چندان متصور نیست ولی به فحوای خطاب می توان آنها را شامل حرمت افشای اسرار بیماران دانست.

۷-۲-۱. آیه نهی از تجسس

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا﴾
(حجرات: ۱۲)؛

ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری گمان ها درباره دیگران پرهیزید؛ به راستی که برخی از گمان ها گناه است. و [درباره همدیگر] جاسوسی و کنجکاوی نکنید.

بیشتر مفسران تجسس در این آیه را به معنای دنبال عیوب مردم رفتن دانسته‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۵۳؛ مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۲، ص ۳۴۳). شیخ طوسی رحمته الله علیه می‌نویسد: «لا تجسسوا» یعنی لغزش‌ها و عیوب مؤمنان را دنبال نکنید. مؤمنان بر یکدیگر حقوقی دارند که با تجسس از یکدیگر منافات دارد و بر برادر دینی واجب است که اسرار پنهان دیگران را نگوید و بر شنونده‌ها لازم است که گوینده اسرار مردم را تکذیب و انکار کنند (طوسی، بی تا، ج ۹، ص ۳۵۰).

از این رو خداوند مردم را از هرگونه تجسس و کنجکاوای درباره امور پنهانی و زندگانی شخصی و اجتماعی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۴۸) افراد نهی کرده که ذکر نشدن متعلق شاهد بر آن است و در صورت آگاهی یافتن به اسرار، عیوب و مسائل شخصی دیگران - از هر طریقی که باشد - از بازگو و پخش آن در میان مردم نهی فرموده است. می‌توان از آیه شریفه چنین برداشت کرد که «زندگی» هر انسانی بسته به آبرو، حیثیت و شخصیت اجتماعی اوست. بنابراین از بین بردن آبرو و آلوده کردن «شخصیت اجتماعی» و هتک حرمت هر فردی همچون از بین بردن زندگی و حیات اوست؛ یعنی سلب آبروی یک نفر با شایعات یا نقل اسرار و عیوب او با اعدام شخصیت اجتماعی او برابر است (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۲۸۴).

به همین دلیل برخی گفته‌اند: آگاهی یافتن بر امور دیگران، بدون اجازه آنها، از هر طریقی - چه از راه اسباب علمی یا احضار روح و یا ریاضت‌های مباح یا غیرمباح - جایز نیست؛ چه رسد به اینکه از این کار نهی کند و ناراضی باشد (محسنی قندهاری، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۱۳). با توجه به مطالب گذشته، از آیه شریفه حرمت تجسس و آگاهی یافتن از اسرار دیگران و به مقتضای فحوی آن، افشا و انتشار آنها برای دیگران استنباط می‌شود.

۲-۷-۲. روایت نهی از تجسس در عیوب مردم

درباره نهی از تجسس و سرکشی در کار دیگران روایات بسیاری در منابع وجود دارد که به یکی از آنها اشاره می‌شود.

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: يَا مَعْشَرَ مَنْ أَسْلَمَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يُخْلِصِ الْإِيمَانَ إِلَى قَلْبِهِ لَا تَدْمُوا الْمُسْلِمِينَ وَلَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَاتِهِمْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ وَمَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ تَعَالَى عَوْرَتَهُ يَفْضَحْهُ وَلَوْ فِي بَيْتِهِ» (كلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵۴):

«اسحاق بن عمار از امام صادق عليه السلام نقل می کند که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: ای گروهی که تنها در زبان مسلمان شده‌اید و ایمان به دل‌هایتان نفوذ نکرده است، مسلمانان را نکوهش نکنید و دنبال عیوب آنها نباشید؛ چون همانا هر کس دنبال عیوب دیگران باشد، خداوند به دنبال عیوب او خواهد بود و هر کس که خداوند در پی عیوب او باشد، رسوا خواهد شد؛ هر چند در خانه خودش باشد».

در بررسی سندی، وثاقت محمد بن یحیی العطار و احمد بن محمد بن عیسی الاشعری ثابت است. علی بن نعمان الاعلم فردی ثقه و ثبت است (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۷۴) و اسحاق بن عمار الصیرفی نیز امامی و ثقه است (همان، ص ۷۱).

نکته مهم در این روایت، عبارت «لَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ» است. «تتبع» به معنای تجسس و تفحص نکوهیده است و مراد از «عورت» هر امری است که انسان آن را از روی حیا می پوشاند (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۳۷)؛ از این رو کسانی که دنبال عیب در افراد بیمار و تجسس از احوال آنها هستند، مرتکب عملی حرام شده‌اند. پس هنگامی که پیگیری عیوب و تفحص از اسرار دیگران حرام باشد، بی‌گمان افشای آنها نیز حرام خواهد بود.

۸-۲. شکستن سوگند پزشکی

یکی دیگر از دلایل حرمت افشای اسرار بیمار، زیر پا گذاشتن تعهدی است که پزشکان در «سوگندنامه پزشکی» به رعایت موارد آن ملتزم می‌شوند. در گوشه‌ای از این سوگندنامه آمده است: «در پیشگاه قرآن کریم به خدای قادر متعال که دانای آشکار و نهان است، سوگند یاد می‌کنم که همواره حدود الهی و احکام

مقدس دینی را محترم بشمارم، از تضییع حقوق بیماران پرهیزم و سلامت و بهبود آنان را بر منافع مادی و امیال نفسانی خود مقدم دارم؛ در معاینه و معالجه، حریم عفاف را رعایت کنم و اسرار بیماران خود را - جز به ضرورت شرعی و قانونی - فاش نسازم» (جمعی از پزشکان، ۱۳۷۰، ص ۲۷۹). سوگند به حفظ اسرار پزشکی در قطعۀ «آیین برادری» فیثاغورث در قرن سوم تا ششم پیش از میلاد بیان شده و شاید بتوان گفت قدیمی‌ترین سوگند در نوشته‌های بقراط است (دلآوری، ۱۳۹۳، ص ۳۴).

سوگند پزشکی به لحاظ فقهی یکی از اقسام سه‌گانه سوگند است که در کتاب‌های فقهی به «یمین العقد» مشهور است (نجفی، ۱۳۶۳ق، ج ۳۵، ص ۲۲۶) و عبارت از سوگندی است که برای ارتکاب یا عدم ارتکاب امری در آینده واقع می‌شود؛ مانند اینکه فردی بگوید «قسم به خدا روزه می‌گیرم یا مصرف دخانیات را ترک می‌کنم». در این نوع سوگند با اجتماع شرایط مربوط به آن، به اجماع همه فقهای شیعه، بلکه به ضرورت فقه امامیه (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۲، ص ۲۴۷)، اطاعت و وفا به آن واجب است و مخالفت آن حرام است و بر حنث و مخالفت آن، کفاره مترتب می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۱۱)؛ بنابراین پزشکی که متعهد شده حقوق بیماران را رعایت کند و اسرار آنها را فاش نکند، در صورتی که توجیه مناسب شرعی یا قانونی برای افشای اسرار نداشته باشد، افزون بر ارتکاب معصیت، ملزم به پرداخت کفاره نیز می‌شود؛ یعنی باید به ده مسکین غذا بدهد یا بر آنها لباس بپوشاند و اگر توانایی نداشته باشد، سه روز روزه بگیرد (نجفی، ۱۳۶۳ق، ج ۳۳، ص ۲۷۲).

۹-۲. اجماع و تسالم علمای فریقین

از بررسی کلام علمای اسلام در موضوع رازداری در می‌یابیم که حفظ اسرار مسلمانان از مسائل بدیهی و مسلم بین فریقین است؛ به گونه‌ای که همه علمایی که در کتاب‌های حدیثی و اخلاقی و فقهی متعرض این مسئله شده‌اند، بر این

باورند که افشای اسرار مسلمانان غیرجایز و حرام شرعی است. بیشترین توجه به مسئله رازداری در کتاب‌های اخلاقی مشاهده می‌شود. ملا مهدی نراقی رحمته‌الله در باب فضیلت رازداری و نهی از افشای اسرار می‌نویسد: آشکار کردن اسرار گاهی در مورد عیوب پنهانی صورت می‌گیرد و گاه در مورد غیرعیوب؛ زیرا اسرار و امور پنهانی شامل هر دو مورد می‌شود که در هر دو صورت چون مصداق آزار و اذیت و توهین شمرده می‌شود، از نظر شرعی حرام است (نراقی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۷۰).

بزرگان دیگر درباره اصل افشای اسرار خیلی مختصر و گذرا بحث کرده‌اند، از جمله مقدس اردبیلی رحمته‌الله در بحث عدالت در «کتاب شهادت» درباره گناهی که عدالت را خدشه‌دار می‌کند، از اذاعه سرّ سخن به میان می‌آورد و می‌نویسد: منظور از افشای سرّ و انتشار سخنی است که همراه ضرر باشد (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص ۳۴۹).

شیخ انصاری رحمته‌الله در بحث غیبت در بررسی انواع غیبت می‌گوید: اگر عیوب پنهانی کسی را بدون قصد انتقاص بگویند، از باب کشف عورت مؤمن حرام است و از حیث عقل و نقل، حرمت افشای آنچه باعث تحقیر و از چشم افتادن مؤمن می‌شود، حرام است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۲۶ - ۳۲۷).

از جمله فقیهانی که به بحث افشای اسرار بیماران اشاره دارند، شیخ مفید رحمته‌الله، شیخ طوسی رحمته‌الله (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۷۲۹)، قاضی ابن براج رحمته‌الله (ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۵۵۱)، ابن حمزه طوسی رحمته‌الله (طوسی، ۱۴۰۸ق، ص ۴۲۳)، ابن ادریس حلی رحمته‌الله (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۵۳۰) و علامه حلی رحمته‌الله (علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۴۰۲) هستند که در باب «حدود و تعزیرات» برای فاش‌کننده اسرار بیماران، مجازات و تأدیبات قرار داده‌اند. شیخ مفید رحمته‌الله در این باره می‌نویسد: «من عیّر إنساناً بشيء من بلاء الله عزّ وجلّ أو أظهر عنه ما هو مستور من البلاء، وجب علیه بذلک التأدیب وإن کان محققاً فیما قال، لأذاه المسلمین بما یؤلمهم من الکلام (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۷۹۶). اگر کسی به علت نقصانی که در آفرینش اوست، ریشخند و نکوهش شود یا آن عیب پنهانی که در اوست، توسط فرد دیگری آشکار شود، [گوینده

عیب] باید تأدیب شود؛ هرچند خلاف واقع نگفته باشد؛ زیرا این عمل موجبات اذیت و آزار مؤمنی را فراهم کرده است». نکته مهم در سخن شیخ مفید^۱ عبارت «أظهر عنه ما هو مستور من البلاء» است که بر افشای اسرار فرد دچار بیماری دلالت دارد. در میان عامه، ابن حجر عسقلانی با بیان تفصیل بیشتر نسبت به دیگران و بیان اقسام افشای سرّ حتی در خصوص پس از مرگ، آن را به چهار دسته مباح، مستحب، واجب و حرام تقسیم می‌کند که مورد حرام شامل جایی است که ضرری به صاحب سرّ وارد شود (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۲، ص ۷۵۱۳). ماوردی که فصل مفصلی درباره کتمان سرّ آورده، بیشتر به حسن عقلی و عرفی کتمان و مذمت افشا پرداخته است و با اشاره به اشعار و کلمات حکما برای ادعای خود، ادله را بیان کرده است (ماوردی، ۱۴۲۱ق، ص ۳۱۸-۳۱۵). غزالی با حرام دانستن افشای سرّ از باب اذیت و آزار و بی‌احترامی به دیگران، آن را مصداقی از خیانت در امانت دانسته و در صورت اضرار، آن را حرام و در فرض عدم ضرر، آن را سزاوار نکوهش دانسته است (غزالی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۳۲). ابن حبان می‌گوید: نباید با افشای اسرار موجب هتک آبروی دیگران شویم (ابن حبان، ۲۰۰۹م، ص ۱۹۰). نووی با ادعای کثرت احادیث در این باب، افشای اسرار را در فرض اضرار و ایذا حرام می‌داند (النووی دمشقی، ۱۴۱۷ق، ص ۴۶۴). آنچه گذشت، بخشی از کلام علمای فریقین در موضوع رازداری بود و مشاهده شد که همگان بر حفظ اسرار مسلمانان تأکید دارند و افشای آن را جایز نمی‌دانند.

نتیجه

بر اساس آنچه در این پژوهش در زمینه رازداری بیماران گذشت، روشن شد که شارع مقدس به همه حقوق انسان‌ها اهتمام ورزیده و رعایت آنها را واجب یا مستحب شمرده است. یکی از حقوق مهم، حق محرمانگی اسرار و اطلاعات بیماران است که دلایل گوناگونی در شریعت بر حرمت نقض رازداری و افشای اسرار بیماران دلالت دارد.

بر اساس اصل اولی «عدم سلطنت» هیچ فردی بر دیگری ولایت و سلطنت ندارد و از هرگونه تصرف در شئون زندگی (اموال و انفس) بازداشته شده است؛ بنابراین از آنجاکه افشاگری و بازگو کردن اسرار بیماران نوعی تصرف در امور آنان به‌شمار می‌آید، مبتنی بر این اصل اولی، افشای اسرار دیگران مجاز نخواهد بود.

آن‌سان که گذشت، برخی از دلایل (کتاب و سنت) به صورت مستقیم و شفاف به تبیین حکم این مسئله پرداختند؛ آیات آغازین سوره تحریم - با توسعه در ملاک حرمت - حکم افشای اسرار انسان‌ها را در غیر موضوع خود نیز تبیین کردند؛ در ادله روایی نیز روایت عبدالله بن سنان با تشبیه راز به عورت و آنچه همواره باید پوشیده باشد، به زشتی افشای رازها تصریح کردند. افزون بر این در این مقاله به بررسی دلالت و سند روایاتی پرداختیم که به صورت غیرمستقیم بر تحریم افشای اسرار دلالت داشتند؛ چه اینکه افشای اسرار در ذیل عناوینی مانند «خیانت در امانت» و «لزوم حفظ اسرار مجالس» نیز جای می‌گیرد؛ بنابراین همان‌سان که شخص امین نباید اسرار دیگران را بر آشکار کند، پزشک و کادر درمانی نیز نباید اسرار و پنهانی‌های بیماران خویش را در غیر موارد مجاز آشکار کنند.

از عناوین دیگری که بر این موضوع منطبق شد، عنوان «خیانت در امانت» است که با تعمیم امانت و صدق این عنوان بر اسرار، بر تحریم افشای اسرار دلالت دارد؛ افزون بر اینکه افشای اسرار بیماران به گونه‌ای تحت عنوان «تجسس» نیز جای می‌گیرد؛ زیرا همان‌گونه که به‌دست آوردن و جست‌وجوی اسرار و امور پنهان دیگران نهی شده است، به قطع و یقین افشای آنها نیز حرام خواهد بود؛ چه اینکه نارضایتی شارع مقدس از کاوش و تأمل در اسرار دیگران، بیانگر حرمت افشای اسرار افراد است. افزون بر دلایل یادشده، شکستن سوگند پزشکی نیز یکی از ادله حرمت افشای اسرار بیماران قلمداد می‌شود؛ زیرا پزشکان با سوگند بر حفظ تمامی اسرار و حقوق بیماران، خویش را به حفظ اسرار آنها ملزم می‌کنند؛ بنابراین شکستن سوگند یادشده حرام و افشای اسرار بیماران نیز حرام و سبب وجوب پرداخت حث قسم خواهد بود.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
۱. آقابابایی، حسین (۱۳۹۶). حریم خصوصی در حقوق کیفری اسلام. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 ۲. ابن ابی اصیبه، احمد بن القاسم (بی تا). عیون الانباء فی تاریخ اطباء. بیروت: دار مکتبه الحیاة.
 ۳. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۴). النهایة فی غریب الحدیث والأثر. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
 ۴. ابن ادريس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۵. ابن حبان، محمد (۲۰۰۹م). روضة العقلاء. مصحح: عبدالعلیم محمد درویش، دمشق: وزارة الثقافة، منشورات الهيئة العامة السورية للكتاب.
 ۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۲۰ق). فتح الباری شرح صحیح البخاری. مصحح: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: المکتبه العصرية.
 ۷. ابن فارس، أحمد بن فارس بن زكريا (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
 ۸. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدين محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار الفکر - دار صادر.
 ۹. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۱۰. انصاری، باقر (۱۳۸۶). حقوق حریم خصوصی. تهران: سمت.
 ۱۱. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵ق). کتاب المکاسب. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
 ۱۲. برقی، ابو جعفر، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). المحاسن. قم: دارالکتب الإسلامية.
 ۱۳. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۲۰ق). أنوار التنزیل وأسرار التأویل. تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۱۴. پارسا، مجتبی (۱۳۸۸). «حریم خصوصی و رازداری در پزشکی و جنبه های مختلف آن» مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره ۲، ش ۴، پاییز ۱۳۸۸، ص ۱-۱۴.
 ۱۵. تبریزی، جواد بن علی (۱۴۱۶ق). إرشاد الطالب إلى التعليق على المكاسب. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
 ۱۶. جانسون، آلبرت؛ سیلگر، مارک؛ وینزلا، ویلیام (۱۳۸۹). اخلاق بالینی. مترجم: حمیده آرین نیا و سیدعباس سادات حسینی، تهران: انتشارات حقوقی.

۱۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۸). ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات کتابخانه نشر دانش.
۱۸. جمعی از پزشکان (۱۳۷۰). اخلاق پزشکی. تهران: معاونت امور فرهنگی وزرات بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور.
۱۹. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق). الصحاح. ج ۵، بیروت: دار العلم للملایین.
۲۰. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام.
۲۱. حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر (بی تا)، تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام.
۲۲. خراسانی، محمد کاظم بن حسین (۱۴۰۹ق). کفایة الأصول. قم: طبع آل‌البیت علیه السلام.
۲۳. دلاوری، محمد حسین (۱۳۹۳). مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار پزشکی در حقوق ایران و کامن‌لا. تهران: نشر وکالت.
۲۴. دهنخدا، علی اکبر دهنخدا (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهنخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. لبنان، سوریه: دارالعلم - الدار الشامیة.
۲۶. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق). مهذب الأحكام. قم: مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیت‌الله سبزواری.
۲۷. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق). الدر المشور فی تفسیر المأثور. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۲۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۳ق). معانی الأخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۹. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
۳۱. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفة.
۳۲. طرابلسی، عبدالعزیز بن براج (۱۴۰۶ق). المهذب. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق). النهایة فی مجرد الفقه والفتاوی. بیروت: دار الکتاب العربی.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحكام. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن (بی تا) «الف». التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۶. طوسی، محمد بن علی بن حمزه (۱۴۰۸ق). الوسیلة الی نیل الفضیلة. محقق / مصحح: محمد حسون، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۳۷. طوسی، محمد بن حسن (بی تا) «ب». الفهرست. نجف: المكتبة الرضویة.

۳۸. عاملی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ق). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
۳۹. عاملی، زین‌الدین بن علی (بی‌تا). رسائل الشهيد الثاني. قم: کتاب فروشی بصیرتی.
۴۰. عباسی، محمود (۱۳۸۲). افشای اسرار بیماران. تهران: نشر حقوقی.
۴۱. عراقی، آقا ضیاء‌الدین علی (۱۴۲۱ق). کتاب القضاء. مقرر: ابوالفضل للنجم آبادی، قم: انتشارات مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام.
۴۲. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۰ق). تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامية. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۴۳. غزالی، محمد بن محمد (بی‌تا). احیاء علوم الدین. محقق: عبدالرحیم بن حسین حافظ عراقی، بیروت: دار الكتاب العربی.
۴۴. فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۳۸۱). اصول فقه شیعه. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۴۵. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
۴۷. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی. تحقیق حسین اعلمی، تهران: انتشارات الصدر.
۴۸. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (بی‌تا). المحجبه البيضاء فی تهذیب الاحیاء. تحقیق/ تعلیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۹. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ق). تفسیر القمی. قم: دار الكتاب.
۵۰. کاشف الغطا نجفی، حسن بن جعفر (۱۴۲۲ق). أنوار الفقاهة (کتاب الشهادات). نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطا.
۵۱. کاشف الغطا، جعفر بن خضر (۱۴۲۲ق). کشف الغطا عن مبهمات الشریعة الغراء. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۵۲. کشی، محمد بن عمر (۱۳۶۳). رجال الکشی - اختیار معرقة الرجال. قم: مؤسسه آل‌البتی علیهم السلام.
۵۳. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۵۴. کوفی اهوازی، حسین بن سعید (۱۴۰۴ق). المؤمن. قم: مؤسسه الإمام المهدي علیه السلام.
۵۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). کلیات حقوق. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۵۶. کاتوزیان، ناصر و دیگران (۱۳۸۵). حکومت قانون و جامعه مدنی. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۵۷. گراهام گلدنر، مایکل (۱۳۸۱). روانپزشکی آکسفورد. ترجمه نصرت‌الله پورافکاری، تهران: شرکت گلبان نشر.
۵۸. لاریجانی، محمد باقر (۱۳۸۳)، پزشکی و ملاحظات اخلاقی، تهران: برای فردا.

۵۹. لیتین، اسکات و همکاران (۱۳۸۶). کتاب جامع سلامت خانواده. مترجم: مهدی نصر اصفهانی و همکاران، تهران: تیمورزاده.
۶۰. ماوردی، علی بن محمد (۱۴۲۱ق). *أدب الدنيا والدين*. معلق: محمد کریم راجح، بیروت: دار إقرأ.
۶۱. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۳۸۲). *عین الحیات*. محقق: مهدی رجایی، قم: انوار الهدی.
۶۲. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۶۳. محسنی قندهاری، محمد آصف (۱۴۲۴ق). *الفقه ومسائل طبية*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۶۴. مرادی، غلامرضا (۱۳۸۲). *ابعاد جدید مدیریت اطلاعات بهداشتی*. تهران: واژه پرداز.
۶۵. مشکینی، میرزا علی (۱۳۷۷). *مصطلحات الفقه*. قم: نشر الهادی.
۶۶. مشهدی قمی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸). *کنز الدقائق وبحر الغرائب*. تحقیق حسین درگاهی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۶۷. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: مرکز کتاب لترجمة والنشر.
۶۸. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳ق)، *المقنعة*. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۶۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). *اخلاق در قرآن*. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۷۰. منتظری نجف آبادی، حسین علی (۱۴۰۹ق). *دراسات فی ولایة الفقیه*. قم: نشر تفکر.
۷۱. منتظری نجف آبادی، حسین علی (۱۴۰۹ق). *مبانی فقهی حکومت اسلامی*. مترجم: صلواتی، محمود و شکوری ابوالفضل، قم: مؤسسه کیهان.
۷۲. منتظری نجف آبادی، حسین علی (۱۴۲۳ق). *معارف و احکام نوجوانان*. قم: نشر سراپی.
۷۳. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۲). *تحریر الوسیلة*. قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم.
۷۴. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۱۵ق). *المکاسب المحرمة*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۷۵. نجاشی، ابوالحسن احمد بن علی (۱۴۰۷ق). *رجال النجاشی: فهرست أسماء مصنفي الشيعة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۷۶. نجفی، محمد حسن (۱۳۶۳ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. محقق / مصحح: عباس قوچانی و علی آخوندی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۷۷. نجم آبادی، محمود (۱۳۷۵). *تاریخ طب در ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷۸. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۷۸). *معراج السعادة*. قم: هجرت.

۷۹. نراقی، محمدمهدی بن ابی ذر (۱۳۸۳ق). *جامع السعادات*. نجف: منشورات جامعة النجف الدينية.
۸۰. النووی دمشقی، یحیی بن شرف (۱۴۱۷ق). *کتاب الاذکار*. مصحح / معلق: بشیر محمد عیون، دمشق: مکتبة دار البیان.
۸۱. هاشمی شاهرودی، سید محمود و همکاران (۱۴۲۶ق). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام*. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
۸۲. هافمن، ادنا و دیگران (۱۳۸۱). *مدیریت اطلاعات بهداشتی*. مترجم: مصطفی لنگری زاده، تهران: مؤسسه فرهنگی - هنری دیباگران تهران.
۸۳. ولیدی، محمد صالح (۱۳۷۲). *حقوق جزای اختصاصی*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

